

سیری در آثار علی جان علیجانپور مینیاتوریست معاصر



می خواهد نقاشی کند، انگار که نقاشی کردن را تازه شروع کرده است. چون آبرنگ در حقیقت فرصتی برای رتوش یا ترمیم ایرادها به هنرمند نمی دهد. در مینیاتور، آبرنگ دنیای دیگری دارد، زیرا هم به صورت قلم گیری از آن استفاده می شود و هم به شکل بهره گیری جهت ساخت و ساز و پردازش صورت و اشیاء. همچنین از آبرنگ به جای گواش که نقش زمینه را به عهده داشته، استفاده می گردد؛ یعنی یک صحنه کامل را تنها با سود جستن از آبرنگ به تجسم در می آورند. در واقع، در این مرحله است که به شفافیت و لطافت بیشتر نسبت به گذشته می رسیم.»

علیجانپور هر چند که نمایشگاههای گسترده ای نداشته و یا آثار بشماری را در این بیست سال سیر و سیاحت خود ارائه نمی دهد، اما در همین اندک تلاش

در جمع هنرمندان امروزی ایران که در زمینه مینیاتور به فعالیت پرداخته اند علیجانپور جایگاه ویژه ای یافته است. وی به سال ۱۳۳۵ در شهرستان فریدون کنار متولد و از اوان کودکی به نقاشی روی آورد. او ضمن تحصیل در ۱۲ سالگی، نزد استاد زاویه به فراگیری مینیاتور مشغول شد و غیرمستقیم از آثار اساتیدی چون مرحوم حاج مصورالملکی، جواد رستم، محمود فرشچیان الهام گرفته و تجربیاتی کسب نمود. علیجانپور پس از اتمام دبیرستان با تجربه اندوزی در زمینه صنایع دستی و آشنایی بیشتر با مواد و مصالح جدید به هنرنمایی پرداخته و از این رهگذر موفقیت‌های چشمگیری بدست آورد. او یکی از پیشگامان بکارگیری قلمگیری به روی چرم بود که این ابتکار ارزش بسزایی دارد.

علیجانپور در واقع بیش از بیست سال است قلم میزند و حاصل کارش چندین اثر مینیاتور و تذهیب اصل، بکر و بدیع و آثار قلمگیری شده می باشد. او تاکنون نمایشگاه‌های متعددی در ایران و خارج برگزار نموده که مورد توجه خاص، بویژه در کشور الجزایر قرار گرفته است. همچنین علیجانپور در سال ۶۵ به مدت سه سال به عنوان استاد مینیاتور و تذهیب در انجمن هنرهای تجسمی ایران شاگردانی تربیت نموده است و در حال حاضر در کارگاه شخصی خود بنام «هنرگاه نگارستان» فعالیت دارد. او کارش را جزئی از عرفان درونی خود و مرهون زحمات استاد زاویه می داند.

علیجانپور در زمینه بکارگیری آبرنگ، بویژه کاربرد آن در آثار خود می گوید: «تکنیک یا روش صحیح بکارگیری آبرنگ در هنر نقاشی کاری است بسیار مشکل ولی برای اهل فنش بسیار آسان: مشکل برای اینکه آبرنگ را نمی شود ناپخته و خام و یا تسنجیده، بدون قدرت دست و تفکر کار کرد؛ مثلاً ما می بینیم هنرمند نقاشی که سالیان دراز در کشیدن پرتره یا طبیعت و غیره با استفاده از عکس بکار پرداخته و در این راه به تجربیاتی رسیده، زمانی که وارد طبیعت می گردد و



قسمتی از سحر

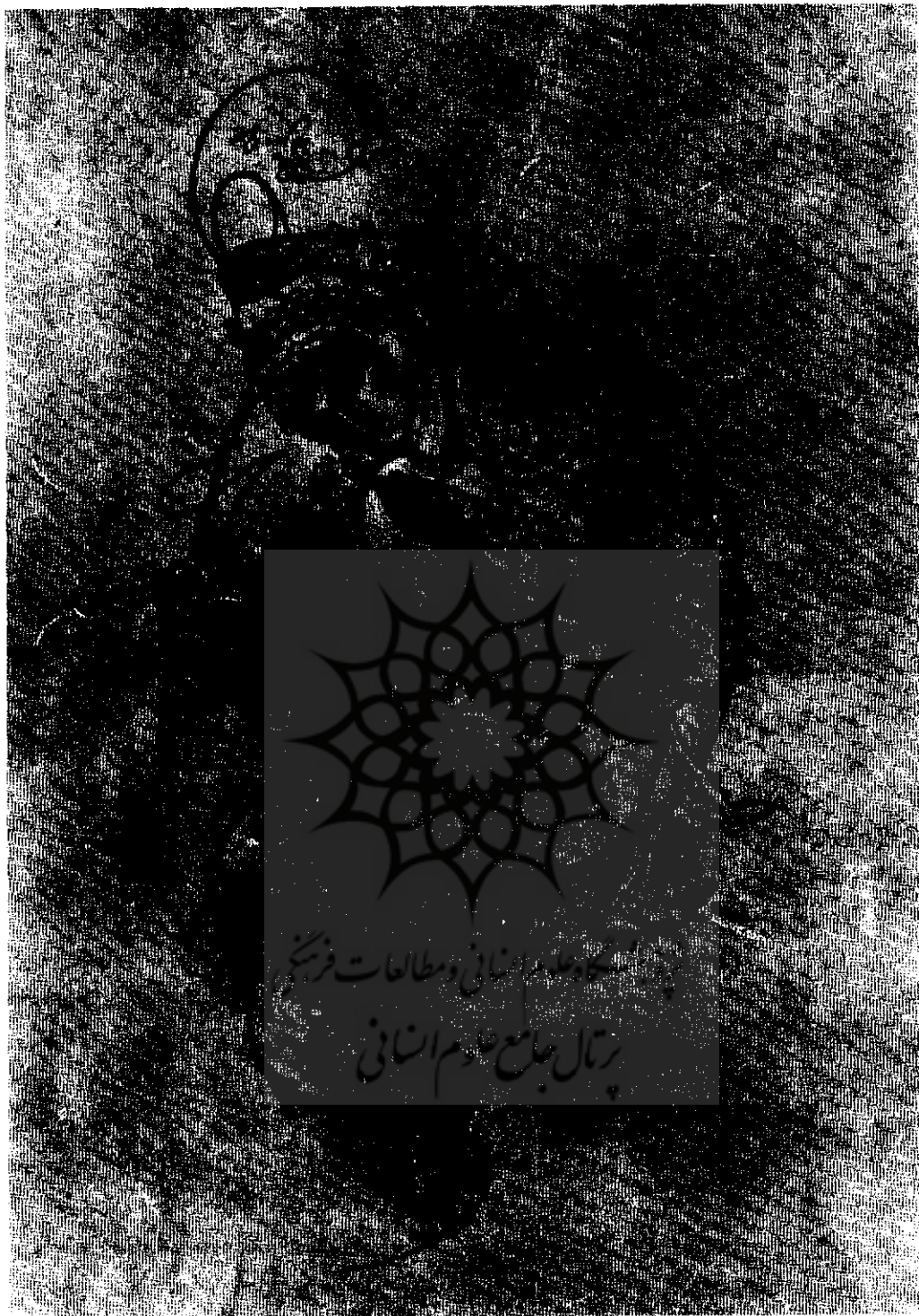
حسین بهزاد دارد با این وصف، با بکارگیری رنگ در
چهره پرسوناژها، نه تنها بُعدی مادی و زمینی به آن
بخشیده، بلکه با سود جستن از رنگ مایه‌های مشعشع،
بوژه در اجزای دکوراتیو اثر که همان گل و گیاه باشد،
به زیبایی‌های صوری پا نهاده است.

علیجانپور در آخرین دست آوردهای خود به
هماهنگی بصری بهای بیشتری بخشیده و حرکتی را آغاز
نموده است که نتیجه دو گروه از کارهای پیشین او
می‌باشد؛ یعنی ضمن استفاده از تنوعات رنگی از یک
سویه شفافیت و لطافت بیشتر رسیده است و از دیگر سو،
به سیالی قلم بیش از آنچه که در گذشته شاهد بودیم.
الهه آفتاب یکی از جمله آثاری است که چنین بینشی را
دنبال می‌کند.

او نوید حرکتی تازه محسوس است.

از آثار برجسته او می‌توان به سحر، رقص در بهشت،
خلوت، گل و پرنده، عاشقان سه تار، در گردش
اسلمی، الهه آفتاب و بسیاری دیگر از این دست اشاره
کرد. در سحر و یا رقص در بهشت، به مفاهیم نمادین بها
داده و با بکارگیری گواش، توأمان با آبرنگ به جهانی
رویایی و سحرانگیز رسیده است. او در به تصویر
کشیدن رقص در بهشت از آثار استاد فرشچیان الهام
گرفته و در این رابطه خود نیز به ارزشهای نوینی رسیده
است.

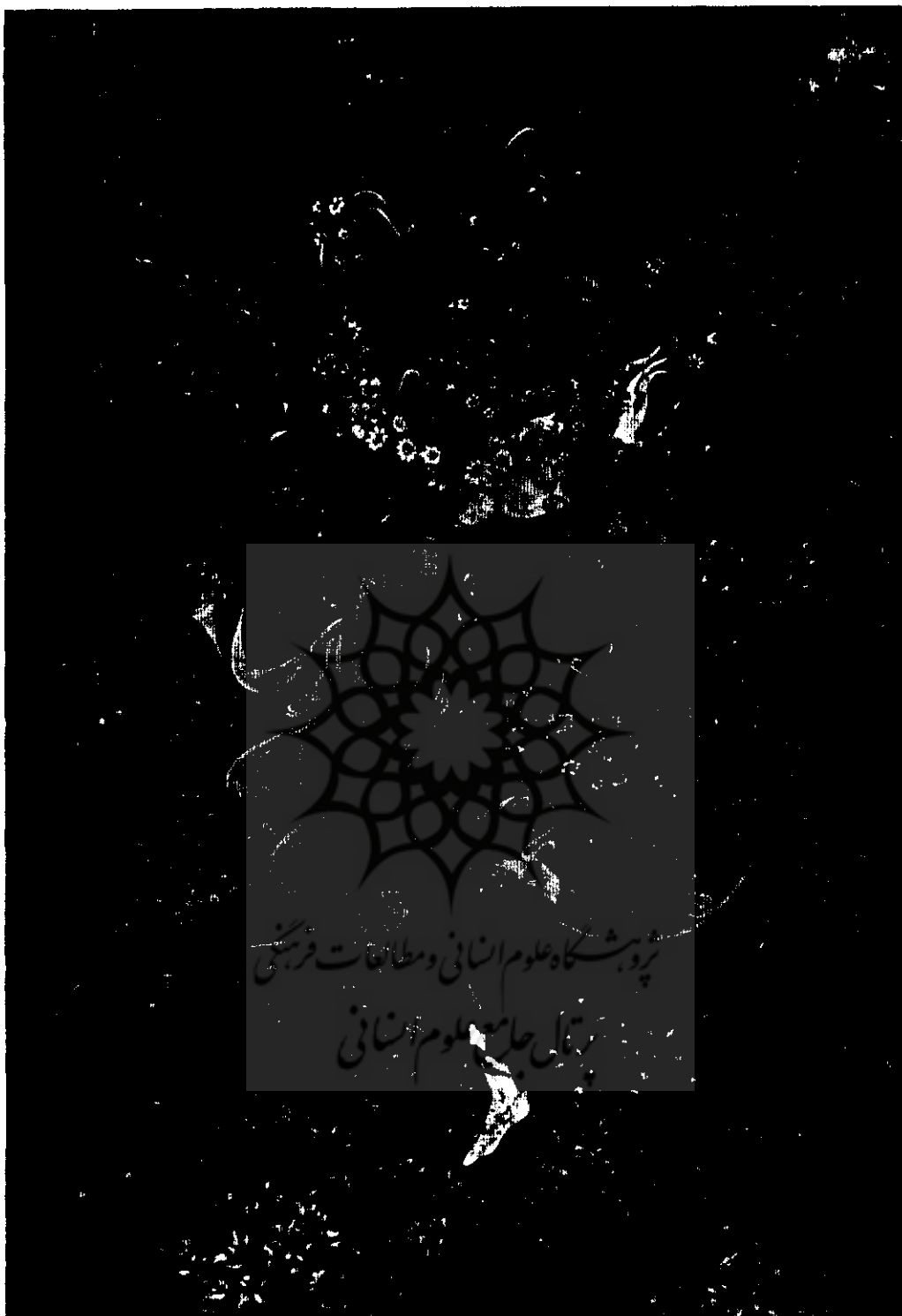
علیجانپور در بکار بستن قلم‌گیری، نه تنها یادآور
سنتهای بجا مانده در عرصه مینیاتور می‌شود، بلکه با
جسارتی که در اجرای چنین خطوطی از خود بروز داده،
گویی اشاره به ارزشهای نهفته در کارهای قلم‌گیری شده



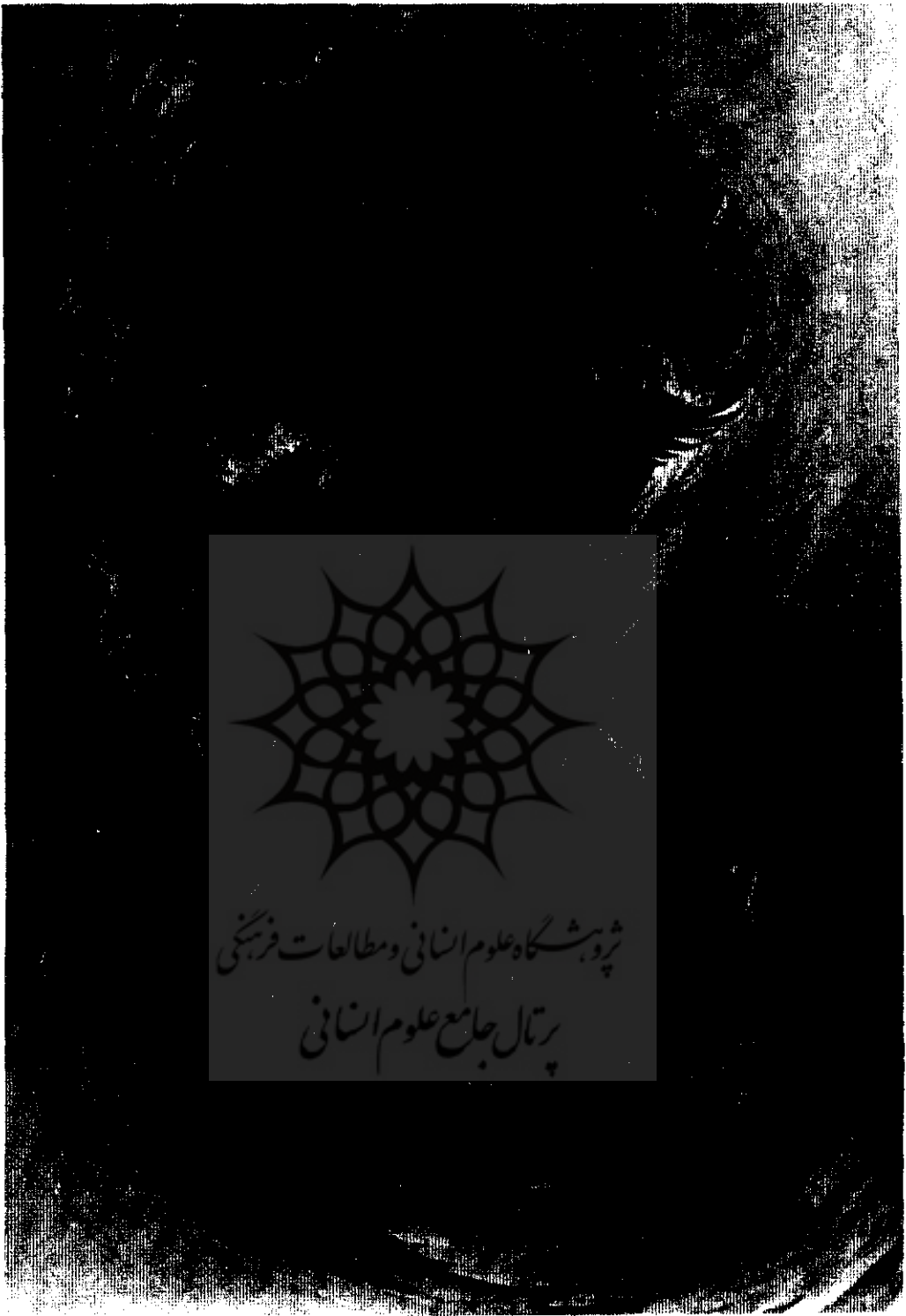
سازمان اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران
پرتال جامع علوم انسانی



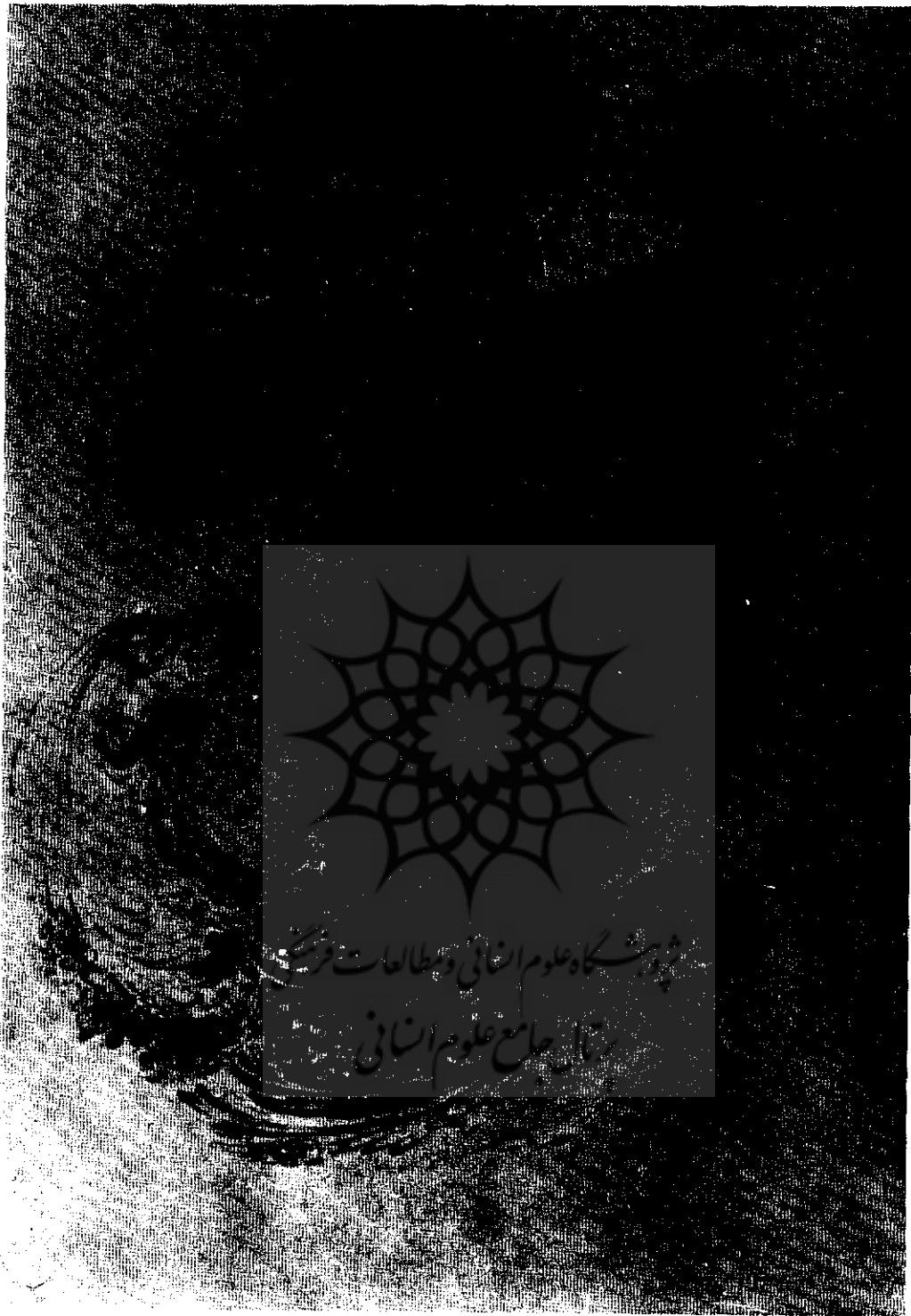
خلوت



پروژه نگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
مجله علمی علوم انسانی



پښتونستان ښوونځي
پښتونستان ښوونځي





عاشقان سه تار